سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صادرات غیرنفتی

ابراهیم عماد*

اشاره

بحث اصلی این مقاله نقش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشورهایی نظیر جمهوری اسلامی ایران و موانع و روند این سرمایه‌ها و ارتباط و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصاد داخلی و توسعه صادرات غیرنفتی و سیاستگذاری پولی و مالی است.

گروه اقتصادی

هدف این بررسی صرفاً موارد اقتصادی یاد شده نیست. بلکه به این مواردا قتصادی، از دیدگاه حقوق اقتصاد بین الملل و توسعه نگریسته می‌شود. با توجه به این که مقررات حقوق بین الملل عمومی و خصوصی دیگر با توجه به شرایط و روابط اقتصادی کشورها در حال حاضر پاسخگوی نحوه ایجاد و روابط و هماهنگی آن‌ها در حل اختلاف درصورت بروز پین عمل کنندگان اقتصادی کشورها، نیست، تأسیس شده است ودر آن زمینه های مختلف اقتصادی تجاری پولی و مالی بین‌المللی از دیدگاه حقوقی مورد بررسی قرار می گیرد.

در چنین مطالعه های حقوقی سا زمان های فیزوط نظیر صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، گات قدیم و سازمان تجارت جهانی فعلی و دیوان بین المللی لاهه و اتاق بازرگانی پاریس ومرا جع حل اختلاف تجاری بین‌المللی و رویه های حقوقی اقتصادی معاصر بین المللی و غیره اهمیت بالایی دارند.

با توسعه بازارهای تجاری، مالی و پولی جهانی در چند سال اخیر بخصوص پس از اعلام طرح تعدیل اساسی از تا حیه صندوق بین‌المللی پول و رشد سریع این بازارها، سرمایه گذاری خارجی که خود یکی از اساسی ترین ابزار مهم اقتصادی در جهت توسعه کشورها اعم از پیشرفته و در حال توسعه است، به اشکال مختلف وارد صحنه عملی اقتصادی هر کشور می‌شود.

این سرمایه گذاری را می‌توان از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد:

O اول : این که سرمایه گذاران خارجی هدفی جز بردن سود و زیان در کوتاه مدت ندارند. در این ارتباط این نوع سرمایه گذاران از طریق بازارهای بورس و سهام کارخانه ها و ارز واردصحنه فعالیت های اقتصادی کشور عرضه کننده سهام شرکت ها و غیره اعم از بخش دولتی و خصوصی می شوند. آنان به محض احساس ناامنی اقتصادی و یافتن محل جدید در بورس کشورهای دیگر با منافع بیشتر، بلا فاصله صحنه را ترک می کنند و با عرضه سریع سهام خریداری شده قبلی به باز ار، موجبات ضربات شدید اقتصادی بر پیکره واحد اقتصادی را فراهم می‌سازند. نتیجه این روند گاهی ورشکستگی واحدا قتصادی و بیکار شدن کارگران مربوطه خواهد بود.

O دیدگاه دوم : سرمایه گذاران خار جی که شناخت کامل بر وجود بازارهای مصرف درازمدت در کشورهای محل اقامت خود و باز ارهای کشورهای مصرف کننده دیگر که تحت نفوذ شرکت های توزیع کننده کشورهای آنان هستند، دارند. وهزینه تولید در کشور خود را با لا تلقی می کنند و از این رو چون عمل کننده تجاری بین المللی هستند، به سوی کشورهای در حل توسعه‌ای که در تولید محصولات موردنیاز کشور هایی که دولت های آنان سیاست های مصرفی را تبلیغ می کنند، فرصت نسبی دارند، روانه می‌شوند. آنان با ارایه سرمایه به صورت ارزی یا تکنولوژی جدید ،در امر تولید کشور در حال توسعه همکاری دارند و به لحاظ دا شتن بازار مصرف خارجی، طرح هایی از قبیل سیاست های تجاری و مالی و پولی درازمدت را طرح ریزی و پی گیری می‌کنند. در نتیجه برای هر دوشریک تجاری این رویه مثبت است.

بامقایسه دو مورد یادشده ،می توان دریافت که برای کشورهای درحال توسعه نظیر ایران که سیاست های استقلال اقتصادی را دنبال می‌کنند، توجه به سرمایه گذاری های خارجی از نوع دوم از درجه اهمیت بالایی برخوردار است، نه هر نوع سرمایه گذاری خار جی بدون قید و شرط ودادن امتیازات بی حد وحصر برای جلب سرمایه های خارجی با توجه به ضرورت خاص زمانی اقتصادی داخلی . دادن چنین امتیازهایی گاهی در ظاهرات مسئولان درمسافرت های خارجی منجمله رئیس اتاق بازرگانی ملاحظه می شود. با عنایت به دومورد یاد شده این سئوال مطرح می شود که آیا فقط با جلب سرمایه خار جی آن هم از نوع دوم، می توان در جهت توسعه اقتصادی مستقل وسالم قدم برداشت؟ یا موارد دیگری نیز مرتبط با این مقوله هستند که باید هماهنگ با آن عمل کنند؟

پاسخ این است که موارد دیگر وجود دارد که سیاستگذاری درست و تصویب قوانین و مقررات مناسب در جهت واردات و صادرات و مقررات پولی و ارزی رامی‌توان از مهم ترین آن‌ها به حساب آورد.

در زمینه ارتباط سرمایه گذاری خارجی از نوع دوم و سیاستگذاری های درست در جهت واردات و صادرات می توان گفت که هر دو مکمل و لازم و ملزوم یکدیگرهستند. بدین معنی که هرگاه حرف از صادرات مطرح می‌شود لازمه آن تولید کردن است. برای ایجاد واحد تولیدی و تولید محصولات قابل ارایه در بازار مصرف خارجی وجود دارد. مواد اولیه گاه در داخل کشور در حال توسعه درصورت داشتن مزیت نسبی تولید و گاه از خارج باید وارد شود و تبدیل به محصول موردنظر کشور خارجی مصرف کننده و صادر شود. پس می توان ارتباط سرمایه گذاری خارجی را با طوله واردات وصادرات درک کرد.

علاوه بر این می‌توان سرمایه گذاری خارجی از نوع دوم را با سیاستگذاری های پولی و مالی نیزمرتبط دانست. سرمایه گذار خارجی باید وضعیت خود را از نظر مالی (مالیات و غیره) و پولی (نرخ تبدیل ارز یا ارزش تکنولوژی ارایه شده) قبل از معامله به طور روشن و واضح بداند و جوابگوی مقررات مالی و پولی کشور متبوع خود نیز باشد.

با توجه به درک وجود رابطه بین جلب سرمایه گذاری خارجی و وا ردات و صادرات مشکلات پولی و ارزی، حال به موانع موجود در جهت جلب سرمایه گذاری خارجی در ایران که به لحاظ وضعیت خاص اقتصادی ایران ومخصوصاً وضع تولیدکنندگان کشور که توان علمی و تجربی لازم در جهت شکوفایی اقتصاد کشور دارند ولی سرمایه لازم اعم از ارزی یا ریالی با ابزار تولید نظیر تکنولوژی جدید را در اختیار ندارند ،می پردازم.

ارتباط مستقیم بین واردات وصدا رات و امور پولی و مالی و ار زی با جلب سرما یه گذاری خارجی وجود دارد. ابتدا موانع را بررسی می کنم و سپس مواردی را به عنوان راهکرد عرضه می‌دا رم:

۱ – در مورد مشکلات پولی و ارزی: وجود نرخ های متفاوت برای ارزهای خارجی (به عنوان مثال برای دلار ۱۷۵۰ ریال، ۳۰۰۰ ریال، ۸۱۲۰ ریال و ۸۷۰۰ ریال) خود یکی از موانع مهم در بررسی اولیه سرمایه گذاری خارجی درجهت حرکت به سوی سرمایه گذا ردر کشور در حال توسعه مورد نظر است. سرمایه گذار نمی‌دا نند که سرمایه او از نظر پول ملی کشور در حال توسعه چه ارزشی را از نظر مقد ارزی دارد و توسانا تآن چقدر است.

۲ – وصول حقوق و عوارض گمرکی نامعقول و زیاد مخصوصاً ممنوعیت و محرومیت برای واردات کالاهای مشابه تولیددا خل بدون توجه به این که آیا تو لید داخلی نیاز تقاضای داخلی را تأمین می کنند یا خیر، در توجیه این ممانعت ها، حمایت از صنایع و تو لیدات داخلی مطرح می شود. حل آن که بر همه روشن است که ظرفیت تولیدات داخلی با تقاضای موجود داخلی فاصله زیادی دارد. این فاصله مو جب سوءاستفاده بعضی از تولید کنندگان فرصت طلب، در نتیجه تورم زایی و افزایش صنوعی همه محصولات موجود در داخل کشور اعم از خارجی وداخلی را به دنبال دارد.

این رو ند در نهایت بر روی افزایش هزینه تو لید داخلی تأثیر بسزایی دارد ومخالف هد ف سرما یه‌گذار خارجی نوع دوم است .یعنی تولیددا خلی قابل رقابت و عرضه در بازارهای مصرفی خار جی در ازمدت نخواهد بود.

۳– وجود مقررا ت دست و پاگیر صد ارتی و وجود سازمان های موازی دولتی با اختیارات مشابه نیز ازموانع است. این سازمان‌ها ی موازی با اظهارنظر و اظهار وجود گاه با تحمیل عقاید قدیمی تجاری و پولی به عنوان ضوابط ومقررات بین‌المللی فعلی موجب اتلاف وقت برای صادرکنندگان که به دلیل نبود قدرت رقابت اقتصادی بین بخش خصوصی و دولتی و نیاز بالای تقاضای داخلی با توجه به افزایش بی حد جمعیت در سال های اخیر صادرکننده تمایلی به صادرات ندارد.

این دیدگاه برای صدر کنندگانی که با فرهنگ صادراتی و دید درازمدت برای تولیدات خود و صادرات آن‌دار ند تسری نمی یا بد، بلکه بیشتر متوجه تولید کنندگانی است که جلوی پای خود و منافع همان روز را می بینند و به فردای خود و افزایش هزینه های تولید و د و نهایت قد رت خرید مردم که بالاخره در نقطه ای متوقف می‌شود توجه ندا رد. زیرا هزینه های جاری تولید آنان برجای خود باقی است. در ا رتباط با صادرات کنندی بیش از حد سازمان ها و وزارتخانه های مربوط و کم توجهی به درخواست های صادرکنندگان و ناتوانی آنان در پاسخ گویی بموقع و مناسب و ارایه قیمت های معادل ارزی، بررسی نشده درمقایسه با دیگر رقبای اقتصادی بین المللی درحالیکه بازاریابی و نگه داشتن بازا رهای خارجی به لحاظ وجود عرضه زیاد بین‌المللی از حساسیت خاص و پاسخگویی سریع به درخواست های خریداران خارجی بر خوردار است. در این ر ا ه تجدید نظر در مجموعه کارکنان و سیاست های بسته مرکز توسعه صادرات که تا حال حاضر اثر وجودی جز کندکردن حرکت صادرکنندگان و انداختن آنان در مسیر پرپیچ و خم مکاتبات طولانی اداری و مخصوصاً ارایه اطلاعاتی که منطبق با نحوه بازار یابی و مسائل و قیمت های روزجهانی نتیجه‌ای ندارد ،ا زضرر ویات است.

در سه مورد یاد شده به طور خلاصه ارتباط مستقیم آن‌ها با جلب سرمایه گذاری های خارجی مطرح شد. حل علاوه بر دیدگاه اقتصادی ذکر شده، موانع قانونی مهم موجود در قوانین ایر ان را می توان به طور خلاصه در اصول ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی جست وجو کرد. توجه به متن این دو اصل که در قالب دو اصل قانون اساسی مطرح شده است ماده قانون عادی را روشن می کند:

در اصل ۴۴ قانون اساسی نظام اقتصادی جمهو ری اسلامی ایران به سه بخش تقسیم شده است. اما با دقت بیشتر در اختیارات و قدرت اقتصادی از نظرمانورهای اقتصادی که برای هر یک از بخش ها در نظر گرفته شده است، نبود تعادل فاحشی بین این بخش ها وجود دارد. ا ز نظر تار یخی نیز تجربه کشورهایی که در آن‌ها این نبود تعادل فاحش وجود داشته‌است ، گویای دفع و نفی سرمایه گذاری خارجی است تا جذب آن. لذا تا زمانی که این اصل به همین شکل در قانون اساسی اصلاح نشود، حاصیت جذب نشدن سرمایه گذاری خارجی آن به قوت خود باقی می ماند. زیرا یک سرمایه گذار خار جی در اولین قرائت از این اصل، دولتی بودن قریب به اتفاق فعالیت های تجاری ا ر درکه می‌کند. زیرا بدون وجود برابری رقابت سا لم از نظر داشتن اختیارات و قدرت فعالیت اقتصادی درزمینه های مختلف و حمایت های قانونی بین‌سه بخش مورد نظر فعالیت های بازرگانی دشوار می‌شود. معمولاً هزینه های جاری و پرسنلی درشرکت های دولتی تولیدکننده و تعهدات آنان در قبل بانک مرکزی به لحاظ استفاده از سهمیه ارزی دولتی در سال های گذشته و برگشت نشدن آن‌ها به بانک مرکزی و اتباشه شدن درحساب ذخیره تعهدات ارزی این شر کت ها بی نهایت با لا بوده است. وجود این هزینه های گزاف و تعهدا ت آنا نزد بانک مرکزی اثر مستقیم بر قیمت تمام شده محصولات تولیدی شرکت های دولتی دارد. این هزینه ها آن محصول لات را از ظر ر قابتی بر ای عرضه در بازارهای خارجی مورد نظر سرمایه گذار خارجی حذف می کند که خود مخالف هدف اولیه سرمایه گذار خار جی است. بحث درمو رد شرکت های دولتی و علت این که این شرکت ها را با توجه به تصویب هیأت وزیران از سال ۱۳۷۰ چرا نمی شود خصوصی کرد، به فرصتی دیگر وا می گذارم مستند من از نظر سیاست ها و ارقام تعهدات و غیره اظهارات مسئولان خواهد بود.

O دراصل ۸۱ قانون اساسی ،دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی ومعادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع شده است. با دقت در این اصل وکلمات «تشکیل شرکت ها ومؤسسات» می توان گفت:

یک سرمایه گذا ر خارجی برای بهتر انجام دادن فعالیت های اقتصادی خود و استفاده از حمایت های قانونی کشور پذیر ند، ناچار به ثبت فعالیت های خود تحت عنوان شرکت یا مؤسسه خواهد بود. لذا با وجود این ممنوعیت که در آخراصل نیز از کلمه مطلقاً استفاده شده است ،چه تضمینی برای ورود سرمایه گذار خارجی وجود دارد؟ آیا سرمایه گذار خارجی بدون ثبت شرکت یا مؤسسه می تواند فعالیت اقتصادی مؤثر داشته باشد؟ جواب مسلماً نه است.

اگر به قوانین عادی دیگر نظیر قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی مصوب آذرماه ۱۳۳۲ یا ۱۳۳۴ و۱۳۳۹ و ۱۳۴۹ که از ناحیه بعضی از نظام های ایران و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و مواد آزاد درمحافل بین المللی و همایش های داخلی مطرح شده است نظیر بفکنیم، این قوانین جزو قوانین عادی مصوب قبل از انقلاب اسلامی است و با توجه به تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این قوانین قبلی قابلیت اجرایی ندارند و تصویب قوانین جدید بدون اصلاح این اصل عملاً از دیدگاه مشاوران حقوقی سرمایه گذاران خارجی فاقد ضمانت اجرایی برای امنیت سرمایه گذاری خارجی در جمهوری اسلامی است.

علاوه بر «اصل یاد شده موارد و مقررات زیادی که مانع جلب سرمایه گذاری خارجی هستند و جود دارد چون اصل بر قانون اساسی است و قوانین عادی باید تابع آن باشند، دیگر پرداختن به تکتک موانع از محدوده این مقاله فعلاً خارج است.

با ذکر این موارد به عنوان موانع اصلی حل سعی می‌شود که مواردی به طور خلاصه در ذیل به عنوان راهکرد ارایه شود.

با توجه به وضعیت کنونی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و دست نیافتن به اهداف پیش‌بینی شده بخصوص در بخش صادرات غیر نفتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در برنامه های پنج ساله اقتصادی اول و دوم و داشتن فاصله زیاد با آن اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران،اارا ه لایحه برنامه پنج ساله اقتصادی سوم تصویب آن درمجلس،نجم قصد حرکتی سریعتر و حتی جهش صادراتی را د ر برنامه جدید با استفاده از نظر مقام رهبری مطرح کرده‌اند .با عنایت به متن لایحه و قانون تصویب شده اخیر مشاهده می‌شود که نگرش به بهبود و جهش صادراتی غیرنفتی و جلب سرمایه های خارجی با د ید برنامه نویسی دولتی ، به شیوه برنامه های قبل است و به لحاظ نداشتن صلاحیت مجلس شورای اسلامی در اصلاح موانع اصلی صد ارات و واردات و سرمایه گذار ی های خارجی «اصول ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی» نگارش جملات به صورت اهداف پیش بینی شده دربرنامه سوم نمی تواند در عمل در حل مشکلات موجود در ا ین ر ا ه موفق باشد.

راهکردهای پیشنهادی:

الف: در مورد جلب سرمایه گذ ار خار جی:

نگارنده یک شهروند ایرانی ومدیر یک شرکت تجاری رسمی فرانسوی است که معمولاً در این عرصه ها فعالیت دارد.

۱ – فعالیت های ارزی شامل خرید و فروش ارز از حداقل ۶۷ کشور جهان در پاریس

۲ – فعالیت در خرید و فروش و خدمات و توزیع و مشاوره در زمینه صادرات و واردات بین المللی

۳– تنظیم قراردادهای تجاری و بین المللی .

این شرکت طرف مشورت با شرکت های دیگر فرانسوی ا ست که دیدمثبتی درمورد جمهوری اسلامی ایران دارند و خواهان سرمایه گذاری در آن کشور هستند. آنان با آشنایی بازمینه های تولیدی و با داشتن مزیت نسبی زیاد در تولیدمحصولات مختلف از ظر کیفی و کمی با ما ارتباط دار ند. سئول همیشگی آنان موضوع مرجع قانونی تضمین کننده سرمایه گذاری خارجی در جمهوری اسلامی ایران با توجه به ممنوعیت موجود در اصل ۸۱ قانون اساسی است، من پاسخ قانع کننده ای که پایه و اساس قانونی داشته باشد، ندارم ،هرچند بعضی ازمقام های مسئول د ر جلب سرمایه گذاری خارجی در مناطق آزاد را مخالف با این اصل نمی‌بینند و همیشه در سازمان های خارجی یا در کنفرانس و همایش های داخلی و مناطق آزاد برای جلب سرما یه خارجی برای این مناطق تلاش می‌کنند. ولی به لحاظ نداشتن آثار حقوقی لا زم، این گونه اظهارات اززمان تشکیل مناطق آزاد مسئولان مربوطه موفق به جذب سرمایه های خارجی نبوده‌اند. مواردمراجعه شده خیلی‌دور از اهداف پیش بینی شده است و غالباً به صورت رابطه سرمایه‌گذاری کرده‌اند، نه ضابطه.

لذا شخصاً بر خلاف متخصصان دیگری که شعاری عمل می کنند و لبه تیز حمله را به حذف این اصل نشانه می‌روند، عقیده به حذف این اصل ندارم. زیرا درمجلس خبرگان اول، تصویب این اصل با توجه به حفظ تعدادی از ارزش های اسلامی ومللی مطلق با زمان تصویب صورت گرفت. ولی در حال حاضر که شرایط فعلی اقتصادی جهانی با شرایط زمانی تصویب یکسان نیست به قلزمی رسد کلمه مطلقاً ممنوع وجاهت اسلامی و ملی خود را در حال حاضر از دست داده است و عملاً به لحاظ نیاز ایران به جلب سرما یه گذاری خارجی، خصوصاً از نوع انتقال تکنولوژی جدید، این نوع جمله بندی در این اصل ،تبدیل به یک ضد ارزش اسلامی وملی در تولید و عرضه مطلوب کمی و کیفی محصولات شده است و خواهد شد. پیشنهاد می‌شود که اصل به متن «دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و مؤسسات در امور تجاری وصنعتی و کشاو رزی و معادن و خدمات به خارجیان تحت ضوابط و شرایط مجاز است که تفصیل ضوابط و شرایط آن را قانون معین می کند»، تغییر یا بد.

این تغییر می تواند موضوع ممنوعیت را که مانع اصلی جلب سرمایه گذاری خارجی اعم از محدوده کشوری با مناطق آزاد را زذهن سرمایه گذاران خار جی دورکند و جو اعتمادی که سرمایه گذاری آنا ناز سوی ضوابط قانونی تضمین می شود در آنان ایجاد خواهد کرد.

ب– در مورد بهبود صادرات غیرنفتی:

تشویق تولیدکنندگان داخلی به صادرات، بدون سیاستگذا ری صحیح در مورد وارد ا ت و تنظیم تعادل بازار داخلی ا ز بعد عرضه و تقاضا ممکن نیست. هرچند که تولیدکننده در کوته مدت موفق به صد ور یک یاد و مر حله شود که ا کثر آبه کشورهای همجوار نیز باشد. چون تولید فعلی پاسخگری نیاز داخلی نیست .سیاستگذا ری های وارداتی که عموماً بر محوریت یا ممنوعیت کالاهای خارجی به نیت حما یت از صنایع و تولیدات داخلی صور ت‌می‌گیرد و توجه به میزان تولید داخلی در قبال میزان تقاضای دا خلی ندا رد نتیجه تشویق این تولیدکنندگان به صدور تولیدا ت خود به کشورهای همجوار ا ثری جز کمبود عرضه داخلی و افزایش قیمت های داخلی ندارد. این افز ایش فوری در کشور، صادرکننده را از صادر کردن مو ارد بعدی بازمی دارد. چون به مراتب این افزایش داخلی نسبت به قیمت هاکه معمولاً در کشورهای خریدار تولیدات آن‌ها ثا بت است. قا بلیت صد ارا تبی بودن اجناس آن‌ها را از بین می‌برد. صادرات به کشورهای دور نیز به لحاظ افزایش هزینه حمل و نقل زمینی– دریایی با هوایی و رقابتی نبودن قیمت های شر کت های حمل ونقل داخلی با شرکت های حمل ونقل بین‌المللی که تحت تأثیر افزایش تورم و هزینه های داخلی هستند، از موقعیت چندانی برخوردار نیست. بعضاً صادرات در قبالب قراردادهای دولتی در چند مورد خاص خلاصه می‌شود.

ادامه این نوع سیاست تشویق صادر اتی و ادامه سیاست های حمایت از صنایع داخلی بدون توجه به ایجاد تعادل نسبی در عرضه و تقاضای د اخلی درمیان مدت و بلندمدت مخالف اهدافی است که در یک سیاستگذا ری درست صادرات غیرنفتی در نظر گرفته شده است. لذ ا تا زمانی که جلوی تورم و افزایش روزافزون قیمت های دا خلی گرفته نشود و کشور به یک تعادل نسبی توقف رشدقیمت های دا خلی نرسد، این نوع سرمایه گذاری موفق نیست. برای رسیدن به این تعادل نسبی توقف رشدقیمت ها با توجه به نبود تعادل تو لیدات داخلی در قبال تقاضای داخلی، نیاز میرمبه یک مطالعه دقیق در بخش های مختلف تجاری جامعه وجود دارد ده رصد نیاز ها بایددر هر بخش مشخص شود و به نسبت حداقل ده درصد بیشتر از این کمبود نسبت به وارد ا ت کنترل شده با قدرت مانور برابر بین واردکننده دولتی و بخش خصوصی و تعاونی در ورود و توزیع در اسع وقت صورت گیرد و به لحاظ همین ده درصد اضافی د ر جامعه و به لحاظ جلوگیری از افت قیمت های واقعی دا خلی تولیدکنندگان دا خلی می توانند در بخش هایی که مزیت نسبی تولید و جوددارد ، نسبت بخشی از تولیدات خود را صادر کنند. با توجه به این که میزان واردات کالاهای مشابه تو لید داخلی، ازبازارمصرف داخلی بیشتر است، به لحاظ متوقف شدن رشد بی رویه قیمت های دا خلی به دلیل ایجادتعادل عرضه و تقاضا، تولید کنندگان داخلی می توا ند این قدرت صدارتی خود را حفظ کنند. نیزمی توا ند در قبال ا ر صادرا ت ازر یا تکنولوژی لازم را برای توسعه فعالیت های تولیدی خود به کشور وارد کنند و سهم خود را ه این صورت در تولید داخلی توسعه دهند در میان مدت و بلندمدت با افزایش تولیدات این تولیدکنندگان داخلی به دلیل کنترلی بودن واردات ، می توان از وا ردات کاست . ادامه این روش می تواند یک حمایت واقعی از صنایع و تولیدات داخلی باحفظ قدرت صادر اتی آنان در بخش هایی که مزیت نسبی تولید وجود دارد، باشد. نتیجه آن در جامعه شامل جلو گیر ی از رشد قیمت ها، رفاه نسبی مردم، افزایش تولید داخلی ،کنترل واردا ت با ایجاد تعادل در بخش های سه گانه،تدرج در اصل ۴۴ قانون اساسی می شود. این رو ند برای ورود و توزیع و در نهایت صد راتی شدن اکثر کالاهای تولید داخلی از نظرکیفی با دسترسی به تکنو لوژی جدید تولیدی و گاه با جلب سرمایه گذاری خارجی از نوع دوم و پایین بودن د ستمزد نسبت به دیگرکشورهای مصرف ی و نگهداری بازارهای مصرف خارجی و قیمت تمام شده پایین با کیفیت خوب ا رایه قیمت های مناسب به صورت FOB درمیان مدت و درازمدت به لحاظ رشد نیافتن تورم و هزینه های داخلی شرکت های حمل و نقل داخلی که در سطح بین‌المللی فعالیت دا رند قادر به ا رایه قیمت های مناسب به صورت CIF در جهت حفظ و نگهداری بازارهای عظیم مصرفی خارجی موفق خواهند بود.

لذا بدون حل مشکل واردا ت کنترل شده در هر سه بخش مورد نظر دراصل ۴۴ قانون اساسی با قدرت مانور اقتصادی برابر به میزان حداقل ده درصد بیشتر ا زکمبود نیاز جامعه در ورود و توزیع و جلب سرمایه‌گذاری خار جی از نوع دوم پس از اصلاح اصل ۸۱ قانون اساسی و اصلاح قوانین پولی و مالی ، بخصوص حذف نرخ های ارزی متفاوت ونگه‌داشتن یک نرخ واحد ممکن خواهد بود چون ارایه قیمت های ۱۷۵۰ و ۳۰۰۰ و ۸۱۲۰ ر یالی برای معادل دلا ر ی کالاهای تولید داخلی آن کا لار اا ز ورود به بازارهای بین المللی محروم می کنیم و ارایه قیمت آزاد معمول در جامعه به عنوان معادل ارزی قیمت دلاری کالاهای داخلی را از نظر ارزش در خارج از کشور ا رزش جلوه می دهد و ر ه را برای ورود به بازارهای بین‌المللی بازمی کند و تأثیری بر پایه ریالی مورد نظر تولیدکننده ندارد. لذا وجود نرخ های متفاوت ارز و ادامه نگه‌داری این نرخ ها به طور مصنوعی، می توانند یکی از موانع توسعه اقتصادی کشور تلقی شود.

بنظر می رسد اگر موارد ذکر شده مورد توجه و دقت قر ار گیرد، می توان امید به یک سیاستگذاری درست و همزمان با تحولات اخیر جهانی و جهانی شدن اقتصاد در جهت توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران داشت.

* مدیرعامل شرکت مستقر در پاریس

اشتراک اقتصاد اخبار
ویژه تهران
مشخصات مشترک
نام :
نام شرکت یا موسسه :
آدرس :
کد پستی :
نام خانوادگی :
تلفن تماس :
مدت درخواست : ۳ ماهه ۶ ماهه ۹ ماهه یک ساله
تعداد در خواست :
شرایط اشتراک
۱. تکمیل فرم اشتراک
درج کد پستی الزامی است (به فرمهایی که بدون کد پستی باشند ترتیب اثر داده نخواهد شد)
۲. پرداخت هزینه اشتراک بر اساس جدول زیر :

۳ ماهه (ریال)	۶ ماهه (ریال)	۹ ماهه (ریال)	یک ساله (ریال)
۴۲۵۰۰	۸۴۳۰۰	۱۲۴۳۰۰	۱۶۸۵۰۰

به شماره حساب پس انداز ۳۰۲۸۷۶۰ بانک ملت (شعبه حمام جم) به نام روزنامه اخبار اقتصاد (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملت)
۳. ارسال اصل فیش بانکی و فرم تکمیل شده به: خیابان ولیعصر، روبروی چهار جم خیابان شهید طاهری، پلاک ۱۵، طبقه ۱ تلفن ۱۹۴۱۹
کپی فیش و فرم تکمیل شده را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید
تذکر مهم : شروع اشتراک فرمهایی که تا پانزدهم هر ماه واصل شود از ابتدای ماه بعد خواهد بود
امور مشترکین با یک تماس تلفنی نیز اشتراک می پذیرد.
همکاران ما در محل کار و منزل شما حاضر شده مقدمات اشتراک شما را فراهم می آورند
کافی است با یکی از شماره تلفنهای زیر تماس حاصل فرمائید.
۲۰۱۲۵۰۰ – ۲۰۱۴۲۰۰
امور مشترکین روزنامه اخبار اقتصاد